



چاندکاش

نشریہ مستقل دانشجویی (ویژہ نامہ) - شماره پنجم - سال سوم - آذر ماه ۸۳ - قیمت ۱۵۰ تومان

در این شماره می خوانید :

- ◀ تعریف فدرالیسم
- ◀ تاریخچه فدرالیسم
- ◀ مروری بر قوانین اساسی
- چند کشور فدرال
 - ◀ آمریکا
 - ◀ هندوستان
 - ◀ کانادا
 - ◀ شعر



باشماق بید آغاچ کیمی تک و اؤزگور

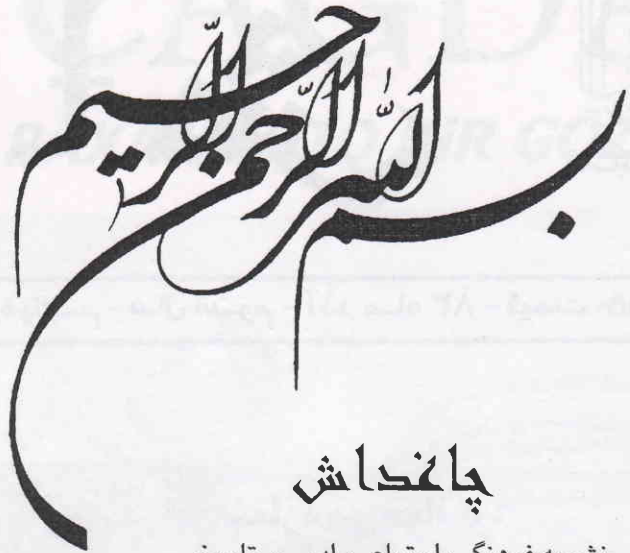
9

بید اورمان کیمی قارداشچاسین

Nazim hikmet



مؤسسه آموزشی
خدمات بهداشتی و درمانی تبریز



چاغداش

نشریه فرهنگی، اجتماعی، ادبی و تاریخی

دانشکده داروسازی

دانشگاه علوم پزشکی تبریز

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	۱- سخن مدیر مسئول
۲	۲- فصل اول : مبانی فدرالیسم
۷	۳- قانون اساسی آمریکا
۱۳	۴- قانون اساسی روسیه
۱۷	۵- قانون اساسی هندوستان
۱۹	۶- قانون اساسی کانادا
۲۵	۷- شعر (راضیه احسانی)

E.Mail : chaghdash:81@yahoo.com

«ویژه نامه»

صاحب امتیاز و مدیر مسئول :

سعید عظیم زاده

سر دبیر :

شعبان سلیمانزاده

تنظیم و صفحه آرایی و طراحی جلد :

مؤسسه کامپیوتری سایه

همکاران :

علی صدیق

مصطفی نورافکن

مهدی علی اصغرزاده

عادل بوقچه چی

راضیه احسانی

مسعود عظیمزاده

توجه

۱- چاغداش نشریه کاملاً مستقل دانشجویی می باشد.

۲- این نشریه منعکس کننده نظرات و مطالب می باشد و هر مسئولیت آن بر عهده نویسنده می باشد.

۳- خوانندگان عزیز می توانند نظرات و پیشنهادات خود را به آدرس : دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده داروسازی - و به نام مدیر مسئول نشریه ارسال نمایند.

با سلامی دوباره

بعد از وقفه‌ای تقریباً ۹ ماهه توانستیم با انتشار شماره جدید نشریه (چاغداش) دوباره در کنار شما باشیم. در این مدت با اینکه بر آن بودیم تا چند شماره از نشریه را به انتشار برسانیم اما به علت فارغ التحصیلی بعضی از دست اندر کاران نشریه و کم لطفی هایی که برخی دوستان نسبت به ما روا داشتند مجبور به تعطیلی موقت نشریه شدیم. اما در سالتحصیلی جدید با همیاری دوستان و دست اندر کاران نشریه توانستیم به این نشریه رونقی دوباره داده و مورد استفاده شما خوانندگان عزیز قرار دهیم. در این شماره بر خلاف شماره های قبلی، با مشورت و همفکری دوستان بنابر آن شد که نشریه را در این شماره و شماره های بعد بصورت ویژه نامه (اجتماعی - فرهنگی - ادبی - تاریخی) منتشر کنیم تا مطالب بصورت اختصاصی تر مورد بحث قرار گیرد. این شماره ویژه نامه اجتماعی می باشد که پیرامون حکومت فدرال و فدرالیسم و اختصاری از قوانین اساسی چند کشور فدرال بحث شده و لازم بذکر است که کلیه منابع مقالات از کتب وزین دانشگاهی می باشد. در شماره های بعدی انشاء... ویژه نامه های ادبی - تاریخی و فرهنگی را خواهیم داشت. امید است این تغییرات در نشریه مفید واقع شده و مورد استفاده شما دوستان قرار گیرد. از شما عزیزان نیز درخواست می کنیم نظرات و پیشنهادات خود را به ما ارسال نمایید تا از نظرات شما عزیزان در هرچه بهتر و مفیدتر شدن این نشریه بهره جوییم.

مدیر مسئول

سعید عظیم زاده

فدرالیسم

تعریف

فدرالیسم شیوه‌ای از اداره یک حاکمیت با مشارکت تمامی گروه‌هایی که در یک منطقه جغرافیایی مشخص با تمامی تمایزهای فرهنگی زبانی ولی با مشترکاتی از قبل دفاع در برابر دشمنان مشترک و غیره می‌باشد.

میدان عمل کرد فدرالیسم وسیع می‌باشد. بطوریکه تا به امروز تعریف دقیق و مشخصی از آن وجود ندارد بهمین خاطر فدرالیسم از کشوری به کشوری فرق می‌کند عمده دلیل آن هم در تعاریف منافع ملی آن کشورها می‌باشد.

در قرون وسطی شکل اولیه فدرالیسم با برقراری سلسله مراتبی بین حاکمیت‌های مختلف بوجود آمد و الگوی دولتهای فدرال بعدی شد. بطوریکه در اوضاع و احوالی کاملاً متفاوت در سال ۱۲۳۵ میلادی، اولین اتحاد سوئیس که یکی از ریشه‌های کنفدراسیون امروزی است از مشارکت سه کانتون به منظور دست‌یابی به صلح داخلی و در مقابل هابسبورگها بوجود آمد و امروز بیست کشور فدرال بر ۵۱/۸۲ درصد خاک دنیا حکومت می‌کنند و نماینده ۳۹/۵۸ درصد مردم دنیا هستند.

در سال شانزدهم میلادی برای اولین بار به تشریحی تئوریک و جامع از فدرالیسم برمی‌خوریم که تاریخ تفکرات سیاسی این تعریف و تشریح را منسوب به «یوهانس آلتوزیوس» می‌داند و او را اولین تئورسین فدرالیسم می‌شناسد. مونتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵) از دیگر متفکران بزرگ است که در مورد جمهوری فدراتیو بحث کرده. به نظر او این شکل از حکومت عبارت از قراردادی است

که به وسیله آن چند گروه سیاسی توافق می‌کنند تا به شهروندان دولت بزرگتری که می‌خواهند آن را تشکیل دهند تبدیل شوند- این جامعه تازه مرکب از جوامع مختلفی است که ممکن است با الحاق دیگر جوامع بدان گسترش پیدا کنند. «ص ۱۸.ف»

نمونه بارز این نظریه مونتسکیو را می‌توان ایالات متحده امریکا را نام برد در اول فدراسیونی تشکیل از ۱۳ بود که در طول زمان تبدیل به فدراسیونی با ۵۰ ایالات است.

اما نوتل کانت فیلسوف آلمانی (۱۷۲۴-۱۸۰۴) عقیده داشت که وجود فدرالیسم برای برپایی صلح لازم است. منظور او از صلح عدم امکان وقوع جنگ بود. به نظر او در قلمرو سیاست داخلی، حالت و وضعیتی را که در آن امکان تعرض وجود دارد و باید همواره مسلح بود نمی‌توان «صلح» نامید.

چنین وضعیتی را می‌توان وضعیت «جنگ داخلی» خواند و حتی اگر حمله و تعرضی صورت نگیرد باید آن را «حالت متارکه» نام نهاد نه صلح.

از دیگر نظریه‌پردازان فدرالیسم می‌توان از پیرژوزف پرودون (proudhon) نام برد.

به نظر پیرژوزف پرودون، فدرالیسم به معنای وسیع عبارت است. از قواعد کلی اصلاح روابط اجتماعی. به نظر او نظم اجتماعی هر می از قراردادهاست و سیستم فدرالیسم قراردادی سیاسی است. پرودون سه اصل را برای برقراری فدرالیسم لازم می‌شمارد.

- ۱- حکومت‌های مستقل می‌بایست با تنظیم معاهده‌ای، اتحاد خویش را در شکل یک فدراسیون اعلام نمایند.
- ۲- هر حکومت عضو فدراسیون باید بر طبق قانون نسبت به تفکیک قوای خود اقدام و موارد بازنگری در قانون اساسی خود را پیش‌بینی کند.

وجود تفهیم دوگانه قدرت میان دولت مرکزی و حکومت‌های محلی برای تشخیص فدرالیسم کافی نیست. اتحاد جماهیر شوروی، یوگسلاوی سابق نیز مانند ایالات متحده آمریکا و سوئیس دارای قانون اساسی فدرال بودند اما فدرالیسم آنها فقط در محدود و قانون اساسی بود و در عمل چیزی جز سانترالیسم حکومت مرکزی نبوده است.

انواع فدرالیسم

۱- فدرالیسم تمرکزگرا: برتر دانستن یگانگی وحدت با از بین بردن گوناگونهای اصلی
 ۲- فدرالیسم عدم تمرکز: عبارت است از برقراری موازنه بین آزادی و قدرت.

۳- فدرالیسم متعادل: این روش به خواسته‌های بشری در مورد چگونگی حفظ استقلال با ایجاد همبستگی پاسخ می‌دهد. پاسخی بصورت آشتی دادن تمرکز و خودمختاری و ایجاد تفاهم میان یگانگی و چندگونگی است.

تذکر: فدرالیسم عدم تمرکز توسط اندیشمندانی چون کروپوتکین (P. kropotkine)، باکونین (M. bakounin) و پروردن مطرح شده و در سوسیالیسم آرمانی مارکس و نیز در آنارشیسم سازمان یافته است.

خلاصه آنکه فدراسیون عبارت است از سازمانی مرکب از گروه‌های سرزمینی خودمختار که همه‌شان متفقا و بطور منظم و مستمر در نهادها و تصمیمات حکومت مرکزی مشارکت دارند.

و فدرالیسم روش حکومتی است بر اساس تصمیم قدرت و واگذاری قسمتی از آن به سرزمینهای خودمختار که هر کدامشان بطور منظم و مستمر در نهادها و تصمیمات دولت مرکزی مشارکت دارند.

۳- به جای جذب حکومتها در دولت مرکزی و یا تضعیف قدرت آنها باید قدرت دولت مرکزی را به حداقل ممکن رساند.

معنای دیگری که برای فدرالیسم عبارت است از شیوه‌ای خاص برای اصلاح دولت که به یک تعبیر روش گردآوری دولتهای مختلف در دولتی فدرال است و به تعبیری شیوه پراکندگی قدرت دولتی واحد در حکومت‌های محلی گوناگون.

یا فدرالیسم را می‌توان «سیاستی تعریف کرد در جستجوی اتحاد همراه با تضمین استقلال» و یا آن را سیاست گردهمای مستقلى دانست که در جستجوی تضمین استقلال خود از طریق اتحاد هستند.

Denis De Rougemont in Dictionnaire International du federalisme op. Cit. P.202.

با این تعبیرها فدرالیسم راه حلی است برای مسئله حکومت یک دولت بر اجتماعات گوناگون با در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی- جغرافیایی و اقتصادی هر کشور.

فرق فدرالیسم و فدراسیون

فدرالیسم را می‌توان مجموعه‌ای از طرز تفکرات، ارزشها و جهان بینی‌هایی دانست که بیان کننده (فلسفه‌ای بر اساس حفظ گوناگونی در این وحدت و یگانگی است.

Amarc. Dialectique du Dechainement. Fendements. Philosophiques du. Federalisme. Vicux colobier paris 1961.p.14.

فدراسیون به اجرای دقیق فدرالیسم و به اصلاحات همه جانبه نهادها و سازمانهای دولتی وابسته است. از مجموع این دو یعنی اجرای دقیق فدرالیسم و اصلاح نهادهاست. که امکان جمع شدن واحدهای خود مختار در یک حکومت مرکزی بر اساس قانون اساسی واحد حاصل می‌شود.

خارج به آنها تحمیل نمی‌شود. در حالیکه در خودمختاری، پاره‌ای از قوانین به وسیله دولت مرکزی یا فدرال به واحدهای خودمختار تحمیل می‌گردد.

مفهوم حقوقی خودمختاری عبارت است از قدرتی غیر حاکم که طبق قوانین خاصی می‌تواند قواعد حقوقی ویژه‌ای را تصویب و بدان عمل کند. عدم حاکمیت سبب می‌شود که دولت مرکزی و یا فدرال حدود خودمختاری را تعیین کند در داخل فدراسیونها خودمختاری حکومت‌های عضو عبارت است از تنظیم قانون اساسی و تعیین نهادهایی بر اساس آن با رعایت قانون اساسی فدرال و در محدوده آن.

Jan, sola. Autonomiein.

Dictiannaire op. cit . p.23.

۳- اصل مشارکت

هر یک از واحدهای فدرال (سرزمینها، ایالات و یا استانها) باید توسط نمایندگان خود در تصمیمات دولت فدرال، که مربوط به مجموعه فدراسیون است حضور و مشارکت داشته باشند.

در کشورهای فدرال، مشارکت به وسیله سیستم دو مجلس و در چهار چوب اعمال می‌شود مجلس دوم همیشه از نمایندگان تمام واحدهای فدرال و به تعداد مساوی برای هر واحد تشکیل می‌شود.

مشارکت حکومت‌های مجلسی در تصمیمات دولت فدرال به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم انجام می‌گیرد.

۱- مشارکت مستقیم: مربوط به تجدید نظر در قانون اساسی فدرال است زیرا برای وضعیت حقوقی هر تصمیمات نهاد اصلی، مرکزی در یک کنفدراسیون بر اساس برابری حقوقی دولتها گرفته می‌شوند و نه تساوی افراد به همین دلیل هر دولت نه هر فرد

فدراسیون

هر فدراسیونی بر اساس قانون اساسی که حاوی ساز و کارهای فدراتیو می‌باشد استوار است. این ساز و کارها عبارت‌اند از:

۱- اصل تفکیک

۲- اصل خودمختاری

۳- اصل مشارکت

G. Scelle cours de Droit Intrentional pulic

۱- اصل تفکیک

قانون اساسی فدرال شامل مقررات شخصی برای تصمیم صلاحیتها و اختیارات بین دو طبقه از دولت است یعنی دولتهای محلی (مانند استانهای کانادا، ایالات آمریکا - کانتونهای سوئیس و یا لندهای آلمان) و دولت مرکزی (فدرال).

۲- اصل خودمختاری

خودمختاری در لغت به معنای اختیار و عمل به میل خود است. که در فلسفه یونان و فلسفه اسلامی در مبحث جبر و اختیار به همین معنا بکار رفته است. در علوم سیاسی، خودمختاری، اختیار و صلاحیت یک گروه در مورد وضع قوانین برای خود و عمل بدان است. در علوم حقوق از واژه خودمختاری هم برای مشخص کردن وضعیت حقوقی یک کشور در داخل فدراسیون و یا کنفدراسیون

D. Vignes. Surla Notion d Autonomie enDroit constitutionnel. Revue Internationale d Histoire politique paris-1966.

رابطه میان خودمختاری و فدرالیسم برای اولین بار توسط حقوقدانهای آلمانی در سال ۱۸۷۱ مطرح کردند. به معنای اخص حقوقی، هر چند خودمختاری شامل وضع قوانین نیز می‌باشد با حاکمیت تفاوت دارد. زیرا در دولتهای مستقل حاکم، هیچ‌گاه قانونی از

مکانیسم دیگری که در سیستم فدرال وجود دارد قدرت قضایی مستقل است که محافظ و مفسر قانون اساسی می باشد و حق دارد تصمیماتی را که با اصول سه گانه پیشین است بی اعتبار اعلام نمایند.

دولت های وحدت گرا در شیوه فدرال روشهای عدم تمرکز و یا عدم تراکم را در پیش می گیرند.

۱- عدم تمرکز: روشی است که در آن دولت مرکزی حق و اختیار تصمیم گیری و گاهی امکانات مادی لازم را به نهادهای محلی متصدیان آن توسط مردم همان محل انتخاب شده اند واگذار می نمایند از مشخصه های یک نهاد غیر متمرکز آزادی محل نهاد در برابر دولت مرکزی، امر یا اموری خاص است از نظر حقوقی می توان آزادی عمل نهاد غیر متمرکز را به اختیار نهاد در مورد وضع قانونها و آئین نامه برای خود تعبیر کرد عدم تمرکز یا مطلق است یا نسبی، در حالت اول، کلیه امور یک محل یا گروه خاص را فقط اعضای انتخابی گروه یا محل حل و فصل می کنند.

۲- عدم تمرکز نسبی: فقط پاره ای از امور از حوزه اختیار قدرت مرکزی خارج و به گروه یا منطقه واگذار می گردد. حد اعلاهی عدم تمرکز آن است دولت مرکزی فقط به امور دست یازد که مربوط به منافع کلی کشور باشد، مانند مسایل دفاعی، مالی، سیاست خارجی، یا اموری که سازمانهای محلی قادر به حل و فصل آنها نیستند و در عمل در اغلب کشورها روش عدم تمرکز نسبی اعمال می شود.

۳- سیستم عدم تمرکز: دولت مرکزی قوانین لازم را با توجه به دو اصل یعنی ایجاد هماهنگی لازم در سراسر کشور و رعایت ویژگیهای هر منطقه تهیه میکند. این قوانین پس از تصویب ارکان قانون گذاری اجرا می شوند بنابراین خود گروه یا منطقه صلاحیت وضع قانون را ندارد. اختیار و صلاحیتهای

در انتخاب این نهاد یک حق رای دارد. در حقیقت کنفدراسیون بر پایه مصون ماندن حاکمیت دولتها استوار است و مشمول اداره اکثریت مردم نیست. آنچه که قدرت کنفدرال خوانده می شود. نوعی نمایندگی برای اجرای مشترک پاره ای از امور است در حالی که فدرالیسم عبارت است از شکل خاصی از سازماندهی و اداره امور بر اساس همسانی و هماهنگی میان حکومتهای مختلف در داخل یک فدراسیون بطوریکه که شهروندان با حکومتهای خود ملتی فدرال را وجود می آورند.

در دولتهای وحدت گرا و متمرکز، هر فرد شهروند مستقیم و بی واسطه آن دولت است. در حالی که در فدراسیون هر فرد به واسطه حکومت فرد شهروند محسوب می شود. در کنفدراسیون نیز فرد شهروند نهاد کنفدرال نیست.

M. Duverger. Les parits. Politiques. A. colion. Parsis-1976.p.49.

۲- مشارکت غیر مستقیم: به وسیله مجلس صورت می گیرد که همه حکومتهای محلی در آن نماینده دارند و هدف از برپایی آن بیان خواسته های هر حکومت است روش مشارکت هر حکومت محلی در این مجلس و تعداد نمایندگان آنها یکی از دشواریهای اساسی فدرالیسم است. در پاره ای از کشورها، هر حکومت محلی بدون توجه به میزان جمعیت و یا وسعت خاک خود نماینده یا نمایندگان در مجلس دوم دارد. دوروزمون دو اصل دیگر را نیز به اصول بالا می افزاید.

۱- اصل جایگزینی: وظیفه ای را که واحدهای کوچک می توانند انجام دهند نباید به واحد بزرگتر واگذار کرد.

۲- اصل وسعت: هر قدر واحدهای عضو فدرایون کوچک تر باشند آزادی هامحفوظ می ماند.

قدرت انحصاری خود را مورد شهروندان خود اعمال می‌نمایند.

(۲۱ جمهوری، یک منطقه، ۱۰ ناحیه خود مختار)
 (اتحادیه میانمار ۷ دولت غیر دولت بیر مانی) اتیوپی
 (۹ منطقه فدرال) جمهوری فدرال یوگسلاوی
 (با انحلال دو ایالت خود مختار و تنها ۲ جمهوری ایالت مانده است) سوئیس (۲۷ کانتون و شبه کانتون)
 (هند ۲۵ ایالت با زبان مستقل و ۷ سرزمین پاکستان)
 (۴ ایالت) بلژیک (۴ منطقه زبانی) کانادا (۱۰ ایالت و ۲ سرزمین به علاوه نوناووت اینویت) نیجریه
 (۳۰ دولت) افریقای جنوبی (۱۹ ایالت) و چین دولت موسوم به چند ملییتی متحده (۵ منطقه ۳۰ حوزه دارای و ۱۲۴ ناحیه خود مختار اقلیت‌ها)
 جزایر الند (فنلاند) جزایر نوئه فرکلایت نونات (گروئنلند) دانمارک اسکاتلند و سرزمین گال درون بریتانیا، جزایر من - گرنزی و اورینی در حاشیه بریتانیا یه کرس - ۵ منطقه خود مختار ایتالیا
 ۴ جماعت تاریخی اسپانیا. منطقه خود مختار کرد عراق.

چگونگی مشارکت واحدهای فدرال

۱- **حکومتهایی محلی**: همه صلاحیتهای اصلی در دست حکومت‌های محلی عضو فدراسیون است و قانون اساسی فدرال فقط اختیارات دولت فدرال را مشخص می‌کند به این ترتیب، موارد مشخص نشده در قانون اساسی فدرال در صلاحیت حکومت‌های محلی است.

۲- مجلس:

الف- مجلس فدرال ب- مجلس محلی
 روش دو مجلسی یکی از راه‌های مشارکت واحدهای عضو فدراسیون در تصمیمات مملکتی است. بطوریکه

نهادهای محلی از طرف دولت مرکزی تعیین می‌شود و به این ترتیب دولت مرکزی هر وقت بخواهد می‌تواند به موجب قانون دیگری آن اختیار و یا صلاحیت‌ها را تغییر و یا لغو نماید. عدم تمرکز را می‌توان به وجه اجرا در آورد.

۱- عدم تمرکز سرزمینی ۲- عدم تمرکز خدماتی.
 در عدم تمرکز سرزمینی این است که منافع و همبستگی خاصی میان ساکنان یک حوزه جغرافیایی وجود دارد به طوری که مردم محل خود باید در مورد مشکلاتشان تصمیم بگیرند در حالت عدم تمرکز خدماتی: دولت مرکزی خدمت یا خدمات مشخصی را از مجموع خدمات خود جدا و آن را به نهاد های محلی واگذار می‌نماید عدم تراکم: عبارت است و گذاری اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری از طرف دولت مرکزی به کارمندان دولت در نواحی مختلف تا بتوانند با استفاده از آن به حل و فصل امور محلی خاص بپردازند و احتیاجی به کسب مجدد از مرکز نداشته باشند.

کنفدراسیون

تفاوت میان فدراسیون و کنفدراسیون در وضعیت حقوقی حکومتها و دولتهای عضو نیز دو نهاد است در کادر کنفدراسیون دولتهای حاکم و مستقل از لحاظ حقوق بین المللی، عضویت دارند، در حالی که در فدراسیون فقط دولت فدرال (مرکزی) وضعیت و امتیاز حاکمیت و استقلال در سطح بین المللی را داراست. در فدراسیون تنها یک دولت مستقیم را در دست دارد در کنفدراسیون یک دولت وجود ندارد بلکه مجموعه ای از دولتها هستند که هر کدام حاکمیت ملی و مطلق خود را حفظ می‌کنند و هر یک

در گزینش روش فدرالیسم عوامل مختلفی دخالت دارند مانند عوامل جغرافیایی (وسعت سرزمین) عوامل اقتصادی (در نظر گرفتن منافع خاص هر قسمت از کشور) عوامل سیاسی (وجود خطر مشترک) عامل انسانی (چندگونگی گروههای بشری در داخل خاک یک کشور) چنانچه ریموند آرول می گوید: فدرالیسم پاسخی است برای شکل همزیستی ملیتهای مختلف در داخل یک کشور.

ساختار سیاسی چند کشور فدرال

آمریکا

در تکوین سیاست و حکومت آمریکا سه عامل نقش تعیین کننده ای ایفا کرده اند که عبارتند از:

- ۱- جغرافیا
 - ۲- تنوع نژادی مذهبی و منطقه ای
 - ۳- سابقه فرهنگی و تاریخی تشکیل آمریکا
- امریکا کشوری است شامل پنجاه ایالت با مساحتی بیش از ۹ میلیون کیلومتر مربع با جمعیتی شامل ۲۷۰ میلیون نفر می باشد که تکامل سیاسی آن بازتاب متقابل عوامل تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی است. قانون اساسی آمریکا بلافاصله پس از پیروزی در جنگ استقلال (م ۱۷۸۳-۱۷۷۶) در کنفرانس فیلادلفیا (م ۱۷۸۷) تدوین شده است.
- در صدر حکومت آمریکا رئیس جمهوری که هر چهار سال یکبار با رای همه مردم برگزیده می شود تنها می تواند دو دوره به این مقام دست یابد و بازوری قانونگذاری حکومت کنگره می باشد که از دو مجلس نیرومند تشکیل می شود.

۱- مجلس سنا ۲- مجلس نمایندگان

در مجلس اول نمایندگان مردم کشور و در مجلس دوم نمایندگان حکومتهای عضو شرکت دارند. در سیستم کنفدراسیون همه دولتها بر اساس برابری و اتفاق آرا در مورد مسائل مشترک تصمیم می گیرند اما در فدراسیون چنین برابری و اتفاق آری وجود ندارد. در این سیستم برای تحقیق مشارکت حکومتهای عضو دولت فدرال روش دو مجلس را انتخاب می کنند.

نتیجه

در واقع باید گفت حکومت بر مبنای فدرالیسم نوعی تقسیم قدرت و مشارکت همه جانبه در ساختار سیاسی یک جامعه است که ملل مختلف در چارچوب جغرافیایی سیاسی خاص که مرزهای جغرافیایی در داخل یک کشور نیز به سرزمینهای خود مختار تعریف شده اند در تصمیم گیریهای دولت مرکزی مشارکت تام بر عهده دارند وجه بارز فدرالیسم آزادی عمل گروههای ملی و استقلال در دوران حاکمیت دولت فدرال می باشد که در تمامی امورات داخل این اختیار و آزادی را دارا می باشد که به چه تربیتی به رتق و فتق امورات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی خود بپردازند.

اما اصلی ترین شاخصه فدرالیسم که باید گفت زیر بنای فدرالیسم بر آن استوار است. عبارت از این است که از هویت و ارکان ملی دیگر ملل در برابر سیل هجوم و استیلای یک زبان و فرهنگ خاص جلوگیری کند چرا که کوشش در راه همانند سازی هم گروههای مختلف ساکن در یک کشور الزاما به ناهنجاری و تبعیض منجر می شود. در حالی که پذیرش چند گونگی و ایجاد روش و نهادهایی برای اداره آن باعث ایجاد و تقویت یگانگی وحدت می گردد.

حدود اختیارات، نحوه انتخاب شدن رئیس جمهوری و سایر مسائل قوه مجریه اختصاص دارد.

ماده سوم: شامل ۳ بند است و به مسائل قوه قضائیه آمریکا اختصاص دارد.

ماده چهارم: شامل ۴ بند است و به تقسیم سیاسی فضا در آمریکا، فدرالیسم - روابط بین ایالتها و چگونگی اداره ایالتها اشاره دارد.

ماده پنجم: فرآیند اطاق اصلاحیه به قانون اساسی را مشخص نموده است.

ماده ششم: به برتری قانون اساسی نسبت به سایر قانونها در آمریکا تاکید دارد.

ماده هفتم: به چگونگی تصویب و رسمیت یافتن قانون اساسی در زمان تدوین اشاره نموده است براساس این ماده، قانون اساسی آمریکا با رای مثبت ۹ ایالت از ۱۳ ایالت اولیه رسمیت می‌یابد.

«تقسیمات کشوری و اداری»

از نظر تقسیم سیاسی فضا، ایالات متحده آمریکا مرکب از پنجاه ایالت و یک ناحیه فدرال است. که هر یک از این پنجاه ایالت دارای قانون اساسی جداگانه ویژه خویش است.

در بسیاری از مسائل داخلی دارای استقلال است و قانون اساسی هر ایالت عالی‌ترین مقررات آن ایالت است. مگر در آن بخش که با قانون اساسی فدرال یا سایر قوانین ایالت متحده آمریکا یا معاهدات آن معارض باشد.

حکومت فدرال بالاترین منصب را در هرم اداری داراست. سپس دولتهای ایالت‌های پنجگانه دارند و بعد از آن پیش از ۸۰ هزار حکومت محلی قرار می‌گیرند. که در سطوح مناطق ویژه محلات. شهرها مشغول فعالیت هستند.

مجلس سنا که از ۱۰۰ سناتور که هر ایالت حرف نظر از وسعت و جمعیت خود داری ۲ سناتور در آن می‌باشد که یک سوم اعضای سنا هر دو سال یکبار برگزیده می‌شوند که دوره سناتوری آنها شش سال است.

مجلس نمایندگان ۴۳۵ نفر دارد و هر دو سال یکبار از حوزه‌هایی که از نظر تعداد جمعیت با هم برابرند و محل اقامت نمایندگان محسوب می‌شوند انتخاب می‌گردند.

سومین شاخه نظام سیاسی آمریکا قوه قضائیه است که در راس آن دیوان عالی قرار دارد. دیوان عالی علاوه بر نقش حیاتی داوری وظیفه تفسیر و نگهداری قانون اساسی کشور را نیز بر عهده دارد. این نهاد بر حفظ توازن درست میان حکومت فدرال و ایالتها و نیز بین کنگره و ریاست جمهوری نظارت می‌کند. قوه قضائیه از آزادیهای فردی (آزادی بیان - مطبوعات گردهمایی‌های مسالمت‌آمیز، اعتقادات مذهبی حق حمل سلاح - حق برخورداری از دادرسی).

مواد قانون اساسی آمریکا

قانون اساسی ایالات متحده از هفت ماده و بیست و یک بند تشکیل شده است که با گذشت بیش از دو قرن ثابت و بدون تغییر باقی مانده است.

ماده یکم: شامل ۱۰ بند است که به تشریح و تبیین فرآیند قانونگذاری در آمریکا حدود اختیارات کنگره - نحوه انتخاب کردن و انتخاب شدن نمایندگان دوره نمایندگانی و مسائل اصل قوه مقننه اشاره می‌کند.

ماده دوم: شامل ۴ بند می‌باشد و به قوه مجریه یعنی رئیس جمهوری و نهادها و سازمانهای تابع آنها

قانون اساسی ایالتها دارای مقدمه - مواد در برگیرنده حقوق مردم - تفکیک قوا - چهار چوبی برای ایجاد حکومت‌های مجلسی می‌باشد معمولاً" مشروح‌تر از قانون اساسی فدرال هستند به عنوان مثال قانون اساسی «آلا با ما» با متنی شامل ۱۷۴ هزار واژه و ۵۱۳ اصلاحیه طولانی‌ترین قانون اساسی ایالتی ایالت متحده آمریکا است. در همه ایالتها راههایی بر اصلاح قانون اساسی دز نظر گرفته شده است. در برخی ایالتها رای اکثریت مجلسهای ایالتی کافی دانسته شده است. در حالی که در برخی ایالتها دیگر می‌توان این او را از طریق مجلس مؤسسان انجام داد.

قوه مجریه

به موجب اصل تفکیک قوا هر یک از ایالتها دارای قوه مجریه است که مسئول اجرای مصوبه‌های قوه مقننه و انجام وظایفی است که مستقیماً به وسیله قانون اساسی ایالتی و سایر مقررات به آن واگذار شده است. کلیه اقتدرات دولت ایالتی به استثناء آنچه که در صلاحیت قوه مقننه و قوه قضائیه ایالتی قرار گرفته است. با قوه مجریه است. قوه مجریه در دولتهای ایالتی بین چند تن مانند فرماندار - معاون فرماندار - دبیر دولت - حسابرس - خزانه‌دار - دادستان و سرپرست تعلیمات عمومی تقسیم و پخش شده است.

فرماندار می‌تواند برای مدت ۲ یا چهار سال انتخاب گردد که ۳۷ ایالت محدودیتهای برای انتخاب دربارہ فرماندار وضع کرده‌اند

فرمانداران را به مخاط اختیارات می‌توان به دو گروه «ضعیف» و «مقتدر» طبقه‌بندی می‌شوند. فرماندارانی که به همراه آنان معاون فرماندار - دبیر دولت ایالتی

هر ایالتی دارای یک فرماندار، یک قوه مقننه دو مجلس یک قوه قضائیه با مقررات ویژه به خود می‌باشد. قانون اساسی فدرال چهار قوه را برای ایالتها در نظر گرفته است.

- ۱- حضور مساوی در سنا
- ۲- وحدت قضایی
- ۳- حکومت جمهوری
- ۴- پشتیبانی در برابر هرگونه خشونت داخلی و خارجی.

اختیارات حکومت فدرال شامل "اختیارات تصریح شده در قانون اساسی" اختیارات تلویحی - اختیارات "لایفک ذاتی"

اختیارات دولتهای ایالتی با محدودیتهایی روبرو است. به عنوان نحوه: دولتهای ایالتی نمی‌توانند با

حکومت‌های خارجی متحد شوند - پیمان ببندند و قرارداد امضاء کنند - اعلان جنگ نمایند سکه، اسکناس چاپ کنند و یا بر واردات و صادرات مالیات وضع کنند در کل دولتهای ایالتی اختیار هر کاری را ندارند مگر در مواردی که برابر قانون اساسی به حکومت فدرال واگذار شده است.

حکومت ایالتها در زمینه مالکیت احوال - آموزش شهروندان - اجرای - برنامه‌های رفاهی، پشتیبانی از مردم در برابر تهدیدات محلی - ایجاد شهرداریها - ساخت جاده‌ها - بزرگ راهها - وضع قوانین صنعتی - تأمین درآمد برابر فعالیت‌های گوناگون - هزینه کردن منابع مالی.

۱- قانون اساسی

هر ایالت دارای یک قانون اساسی است. و قوانین خود را در آن چهار چوب تنظیم می‌نمایند قانونهای اساسی هم ایالت نیز می‌بایست در چهار چوب قانون اساسی فدرال شکل بگیرند.

- دادستان کل ایالت - حسابرسی و خزانه‌دار با رای مردم انتخاب می‌شوند مقامهای اخیر دارای استقلال بوده و اجباری به پیروی از احکام، دستورات و فرمانهای فرماندار ندارند چون برای مدت معین در مقام فرد انجام وظیفه می‌کنند و فرماندار حق عزل و تغییر آنها را ندارد. در مواردی از همکاری با رئیس دولت ایالتی سرباز می‌زنند.

اینگونه فرمانداران را فرمانداران ضعیف می‌نامند. در پاره‌ای از ایالتها فرماندار تقریباً از همان اقتدارات رئیس جمهور حکومت فدرال بر خورد دار است. سازمان قوه مجریه به چند دستگاه تقسیم گردیده است. هر دستگاه مرکب از واحدهایی است که به لحاظ وظایف و مسئولیتها با یکدیگر تجانس و هماهنگی دارند هر یک از مقامهای انتخابی یاد شده در یکی از دستگاههای مزبور انجام وظیفه می‌کند و عزل و نصب سایر مسئولین و مقامات دولت ایالتی با فرماندار است.

تصویب مجلس سنا به کلی یا بعضاً حذف گردیده است. اینگونه فرمانداران را مقتدر می‌گویند. در اینگونه ایالتها فرماندار تنها رئیس اسمی و ظاهری حکومت نبوده است بلکه در اداره امور ایالت شرکت فعالانه داشته سیاست اداری و مالی دولت ایالتی را تنظیم می‌کند و دارای قدرت و اختیار قانونی است که اجرای فرمانهای خود را از مقامهای دولت ایالتی حتی آنها که از طریق انتخابات برگزیده نشده‌اند بخواهند.

قوه مقننه ایالتی

ترکیب قوه قانونگذاری ایالتی با توجه به تعداد کرسیهای هر ایالت در کنگره تعداد دفعه‌های انتخاب و طول مدت نمایندگی در آن با هم متفاوت است. همه ایالتها به جز ایالت بنراسکا که قوه قانونگذاریش

شامل یک مجلس است. دارای دو مجلس قانونگذاری است. (سنا - کنگره) ریاست جلسه‌ها با رهبران هر دو مجلس است.

قوه مقننه دارای وظایف گوناگونی می‌باشد شامل تصویب قوانین، دفاع از منافع رای دهندگان و مشارکت در تنظیم بودجه و تأیید انتصابات مسئولین ایالتی از آن جمله است چنانچه جرمی توسط یکی از مسئولین روی دهد. مجلس نمایندگان هر ایالت اقامه دعوی را آغاز می‌کند اما محاکمه در مجلس سنا انجام می‌شود.

در بسیاری از ایالتها مردم می‌توانند از راه جمع‌آوری امضاء سپس رای‌گیری بطور مستقیم نسبت به تصویب قانون اقدام کنند رای مستقیم مردم همچنین می‌تواند در بعضی ایالتها موجب اصلاح قانون اساسی یا نادیده گرفتن برخی قوانین گردد. در ۱۴ ایالت می‌توان با جمع‌آوری شمار معینی امضاء نسبت به برکناری برخی از مقامات اقدام کرد.

بر خلاف قوه مقننه فدرال (کنگره) که مفصراً اختیارات مندرج در قانون اساسی را داراست. مجلسهای قانونگذاری ایالتی دارای اختیارات عام و مطلق در امر قانونگذاری هستند مگر آنچه صراحتاً ممنوع شده‌اند اهم محدودیتهایی که بر صلاحیت قانونگذاری ایالتها ایجاد شده به شرح زیر است.

محدودیت در امور مالی - محدودیت در گذارندن برخی قوانین - محدودیت ناشی از تجدید نظر قضایی.

قوه قضائیه ایالتی

حدود صلاحیت دادگاههای ایالتی به مراتب وسیع‌تر از دادگاههای فدرال می‌باشد. زیرا آنچه که صراحتاً به موجب قانون اساسی به دادگاههای فدرال واگذار

بخش ۲:

۱- مجلس نمایندگان متشکل از اعضای است که مردم ایالت‌های مختلف هر دو سال یکبار آنان را انتخاب می‌کنند و رای دهندگان در هر ایالت باید از همان شرایط لازم برای رای دهندگان ایالتی که مجلس آن ایالت بیشترین نماینده را دارد برخوردار باشند.

۲) تعداد نمایندگان و میزان مالیات‌های مستقیم ایالت‌های که به اتحادیه ملحق می‌شوند برحسب تعداد جمعیت آنها تعیین می‌شود. تعداد جمعیت با افزودن سه پنجم سایر افراد به کل افراد آزاد معین می‌شود. افراد آزاد شامل کسانی است. که برای یک حوزه چند ساله تعهد خدمت داشته باشند ولی سرخپوستان معاف از مالیات را در بر نمی‌گیرد.

سرشماری اصلی ظرف سه سال از نخستین اجلاس کنگره ایالات متحده و در هر دوره ده ساله بعد به طریق انجمن خواهد شد که کنگره از طریق قانون تعیین می‌کند.

بخش ۳:

۱) دو سناتور از هر ایالت که مجلس قانونگذاری ایالتی برای مدت شش سال انتخاب می‌کند سنای ایالات متحده را تشکیل می‌دهند و هر سناتور دارای یک رای است.

۲) مجلس سنا بطور انحصاری اختیار دارد. که به کلیه «اعلام جرم علیه مقامات دولتی» رسیدگی می‌کند و اعضای آن هنگامی که بدین منظور تشکیل جلسه می‌دهند. باید سوگند یاد نموده و یا رسماً اظهار کنند که جز حقیقت نگویند: زمانی که شخص رئیس جمهور ایالت متحده محاکمه می‌شود. ایالت جلسه با رئیس دیوان عالی کشور می‌باشد هیچ کس را نمی‌توان مجرم شناخت مگر اینکه دو سوم نمایندگان حاضر در این مورد اتفاق نظر داشته باشند.

نگردیده است در صلاحیت دادگاه‌های ایالتی می‌باشد. دادگاه‌های ایالتی علاوه بر دعوای مدنی و جزایی بر دعوای مربوط به حقوق آزادی‌های فردی نیز رسیدگی و حکم می‌دهند. تجدید نظر قضایی در مصوبات قوه مقننه، در بعضی ایالت‌ها و دادن نظرات مشورتی قضایی از جمله وظایف آنهاست. با وجود خود مختاری ایالت‌ها در زمینه تشکیل دادگستری شکل سازمان قضایی در کلیه ایالت‌ها کم و بیش یکسان است.

در پایین سلسله مراتب قضایی

- ۱- دادگاه‌های پایین (قضات صلح) ۲- دادگاه‌های شهرستان ۳- دادگاه‌های استیناف واسطه ۴- دیوان عالی ایالتی - ۵- صلاحیت دادگاه‌های ایالتی
- ۶- دادرسان ایالتی ۷- هیات منصفه.

«موادی از قانون اساسی آمریکا»

مقدمه

ما مردم ایالات متحده، به منظور تشکیل اتحادیه‌ای کاملتر - استقرار عدالت - تامین آسایش ملی تضمین دفاع مشترک، از رفاه عمومی و حفظ برکات آزادی برای خود و آیندگانمان، قانون اساسی حاضر را برای ایالات متحده آمریکا وضع و مقرر می‌نماییم.

اصل اول

بخش ۱: کلیه اختیارات قانونگذاری اعطاء شده در این قانون اساسی به کنگره ایالات متحده مرکب از مجلس سنا و مجلس نمایندگان واگذار می‌گردد.

و پنج ساله و مدت چهارده سال مقیم ایالات متحده باشد.

۶) وظایف و اختیارات رئیس جمهور در صورت برکناری، فوت، کناره‌گیری و یا ناتوانی از انجام آنها، به معاون رئیس جمهور واگذار می‌شوند. کنگره می‌تواند به موجب قانون در موارد برکناری - فوت و کناره‌گیری یا ناتوانی رئیس جمهور نیز معاون وی - مقام مسئولی را به عنوان کفیل ریاست جمهوری نمایند. و مقام مزبور طبق مقررات، تا زمان وضع ناتوانی یا انتخاب رئیس جمهور به عنوان رئیس جمهور انجام وظیفه می‌نماید.

۷) رئیس جمهور در ازای خدماتش در زمانهای معین حقوق دریافت خواهد ولی میزان آن در طول دوره ریاست جمهوری افزایش یا کاهش نمی‌یابد. رئیس جمهور نباید در طول دوره مزبور هیچ گونه مقرری دیگری از ایالات متحده یا هیچ یک از ایالتها دریافت نمایند.

۸- رئیس جمهور پیش از تصدی سمت سوگند یاد می‌کند.

اصل دوم

بخش ۱:

۱) شهروندان هر ایالت از تمامی اختیارات و مصونیت‌های شهروندان در ایالتها دیگر برخوردار خواهند شد.

۲) هرگاه شخص در هر ایالتی متهم به (ارتکاب) خیانت، جنایت یا جرایم دیگر گردد. و از چنگال عدالت بگریزد و در ایالت دیگر یافت شود. با تقاضای مقامات اجرایی ایالتی که وی از آنجا گریخته است به ایشان تحویل به ایالتی که صلاحیت قضایی رسیدگی به جرم را دارد منتقل خواهد کرد.

بخش ۴:

۱) مجلس قانونگذاری هر ایالت، زمان، مکان، شیوه برگذاری انتخابات سنا و مجلس نمایندگان را مشخص خواهد کرد. ولی کنگره در هر زمان از طریق وضع قانون می‌تواند مقررات مزبور را به جزء در موارد مربوط به مکان انتخاب سناتورها، تنظیم نموده یا تغییر دهد.

۲) کنگره در هر سال حداقل یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. جلسه مزبور در اولین دوشنبه ماه دسامبر می‌باشد مگر اینکه نمایندگان به موجب قانون روز دیگری را تعیین نمایند.

بخش ۵:

۱- هر یک از مجلسین می‌تواند آیین‌نامه داخلی خود را تهیه و اعضای خود را به دلیل بی‌انضباطی مجازات و با اتفاق نظر دو سوم نمایندگان عضوی را اخراج نمایند.

بخش ۶:

۱) کنگره در موارد ذیل دارای اختیارات می‌باشد. وضع وصول مالیاتها، عوارض گمرگی، تعرفه‌ها مالیاتهای غیر مستقیم، پرداخت بدهیها، تامین دفاع مشترک و رفاه عمومی ایالات متحده، لکن کلیه عوارض گمرگی، تعرفه‌ها مالیاتهای غیر مستقیم در سراسر ایالات متحده یکسان می‌باشد.

۲- دریافت وام با استفاده از اعتبارات ایالت متحده
۳- وضع مقررات برای تجارت با کشورهای خارجی، بین ایالتها مختلف و با قبایل سرخپوست.

۴- تهیه قانون واحد برای اعطای تابعیت و قوانین واحد در مورد شکستگی در سراسر ایالات متحده

۵- هر شخص برای احراز مقام ریاست جمهوری باید در زمان تصویب این قانون اساسی شهروند بومی، تبعه ایالات متحده حداقل سی

دوسیه

در هر جامعه مجموعه‌ای از ساختارهای سیاسی رسمی و غیر رسمی وجود دارد که کارکردهای آنها گاه در تقابل با یکدیگر و گاه در کنار یکدیگر مشکل می‌گیرد پس از فروپاشی اتحاد شوروی در قانون اساسی جدید فدراسیون روسیه وضعیت، و حوزه عمل نهادهای سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. در دوران اتحاد شوروی در میان قوای سه گانه تفکیک وجود نداشت. و حزب کمونیست اتحاد شوروی بمثابة چتری کلیه نهادهای سیاسی را در مراتب گوناگون در بر گرفته بود پس از استقلال فدراسیون روسیه تلاش شد به گونه‌ای میان این قوا تفکیک بوجود می‌آید.

در کنفرانس نوزدهم حزب در سال ۱۹۸۸ راه برای انتصاب یک رئیس مجریه قوی و نیرومند باز شد. قانون اساسی اتحاد شوروی کمتر در مورد روابط حزب، شورا و سلسله مراتب دولتی بحث می‌کرد در متن قانون اساسی تفصیل روشنی از اقتدار دولت مرکزی و جمهوریها در چار چوب فدراسیون نیامده بود. چهار قانون اساسی که در اتحاد شوروی در سالهای ۱۹۱۸-۱۹۲۴-۱۹۳۶-۱۹۷۷-۱۹۸۹ (۸۹-۱۹۸۸) اصلاح شد به تصویب رسید. بیشتر بیانیه‌ها یا یاد تلوژییک بود تا اعمال قدرت نهادهای سیاسی و ارتباط و آنها پرداخته باشند. بطوریکه قبل از سال ۱۹۸۹ هیچ دادگاه عالی برای رسیدگی به نقض حقوق اساسی وجود نداشت.

در سالهای ۱۹۹۱ کنگره نمایندگان خلق اعلامیه حقوق و آزادیهای افراد را مورد تصویب قرار داد. در آوریل سال ۱۹۹۲ آن را به قانون اساسی روسیه ساخت. در نظام سیاسی جدید روسیه پس از فروپاشی کثرت گرایی و نظام چند حزبی مورد تاکید

بخش ۲:

ایالات متحده برای هریک از ایالتهای اتحادیه شکل حکومت جمهوری را تضمین و در برابر تهاجم (حمله) و در صورت درخواست مجلس قانونگذاری ایالتی - یا قوه مجریه (در زمانی که نتوان مجلس مزبور را تشکیل داد) در مقابل آشوب داخلی، از آنها حمایت خواهند نمود.

۱- انجام موارد ذیل برای ایالتها ممنوع است. الحاق به معاهده اتحادیه و یا کنفدراسیون، صدور مجوز اقدام مقابله به مثل چاپ پول - انتشار اوراق بهادار پیشنهاد هر چیزی غیر از سکه طلا و نقره برای پرداخت بدهی‌ها به تصویب هر نوع لایحه - مجازات افراد بدون محاکمه یا بد موجب قانونی که عطف به ما سبق شود یا قانونی که به تعهدات قراردادی لطمه وارد آورد. و اعطای هر گونه عنوان اشرافی.

۲- هیچ ایالتی نمی‌توان بدون موافقت کنگره هیچ‌گونه تعریف یا عوارض گمرگی بر واردات و صادرات وضع نماید. به جز مواردی که برای اجرای قوانین بارزی آن ایالت کاملاً ضروری نباشد. سود خالص کلیه عوارض گمرگی و تعرفه‌ها که هریک از ایالتها بر واردات یا صادرات وضع نمایند باید از طریق خزانه داری ایالات متحده به مصرف بر سد کنگره می‌تواند تمامی این قوانین را بازنگری و بر آنها نظارت نمایند.

۳- هیچ ایالتی نباید بدون موافقت کنگره، عوارض بار یا مالیات وضع نماید. در زمان صلح سرباز یا کشتی جنگی نگهداری کند، با ایالت دیگر و یا با یک قدرت خارجی موافقتنامه یا میثاقی نماید یا وارد جنگ شود. مگر اینکه عملاً مورد تهاجم قرار گیرد و یا در معرض خطر قریب الوقوعی باشد. که درنگ در برابر آن جایز نباشد.

قرار گرفت و وجود هر گونه ایدئولوژی دولتی رد شد.

قوای سه گانه در نظام جدید از یکدیگر تفکیک شدند ولی نظام فدرال همچنان بر جای ماند بر اساس آن طراحی و اجرای سیاست واحد اقتصادی - اجتماعی - بودجه و مالیات - تجارت خارجی - روابط خارجی وسایل دفاعی از جمله صلاحیت های دولت مرکزی باقی ماندند. مسایل دیگری چون تملک اراضی و آبها، آموزش و فرهنگ - سیاست اجتماعی و بهداشتی - تحت مدیریت مشترک مرکز و مناطق پیرامونی قرار گرفت. در قانون اساسی جدید فدراسیون روسیه که از بهار ۱۹۹۳ منتشر شد و در نوامبر همان سال به تصویب رسید. اقتدار عالی به شخص ریاست جمهوری داده شد. که خطوط اصلی سیاست داخل و خارجی را تعیین می کند. ریاست جمهوری به مدت ۴ سال برگزیده می شود و بیش از دو بار نمی تواند برای این پست انتخاب گردد. او نخست وزیر را انتخاب می کند ولی نیازمند تایید مجلس روسیه می باشد. انتخاب رئیس بانک مرکزی - قضات دادگاه های عالی (و نیز دادگاه قانون اساسی) و دبیر شورای امنیت بر عهده ریاست جمهوری است توانی برگزاری انتخابات، رفراندوم و انحلال پارلمان نیز دارد.

در قانون اساسی جدید روسیه مجموع دو مجلس سفلی و علیا (دومای کشوری و شورای فدراسیون) مجموع فدرال خوانده می شود.

شورای فدراسیون از ۱۷۸ نماینده از هر یک از ۸۹ واحد تابعه فدراسیون روسیه تشکیل شده است و نمایندگان دومای کشور که ۴۵۰ نفر می باشند برای یک دوره ۴ ساله برگزیده می شوند. و نماینده دومای نمی تواند همزمان در شورای فدراسیون نیز نمایندگی

داشته باشد و یا برای نهادهای نمایندگی برگزیده شود.

شورای فدراسیون در چارچوب قانون اساسی جدید همه مسایل مربوط به سطح اتحاد را مورد بررسی قرار می دهد. مسایلی مانند مرزهای جمهوریها و مناطق، اعلام حکومت نظامی - استفاده از نیروهای نظامی در خارج از مرزهای روسیه - هر گونه رد قوانین نیازمند کسب دو سوم آرای مثبت در مجلس دوما می باشد. برکناری ریاست جمهوری نیز مشروط به رای اکثریت دو مجلس می باشد.

دومای می تواند نخست وزیر را معرفی شده از طرف رئیس جمهور تایید نمایند. رئیس جمهور نیز می تواند تا سه روز نخست وزیر را معرفی کند پس از سه بار رد شدن نخست وزیر معرفی شده دوما را مخل سازد انحلال دوما در شرایط حکومت نظامی، اعلام وضعیت اضطراری در روسیه و نیز ۶ ماه مانده تا پایان دوره ریاست جمهوری ممنوع است.

فصل چهارم قانون اساسی فدراسیون روسیه در مورد اختیارات وسیع ریاست جمهوری بحث می کند. فصل پنجم قانون اساسی روسیه حدود اختیارات و صلاحیتهای مجمع فدرال روسیه و یک از مجلس علیا (شورای فدراسیون) و (دومای کشور) مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل ششم قانون اساسی روسیه اختیارات و صلاحیتهای دولت فدراسیون مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در فصل هفتم قانون اساسی فدراسیون روسیه قوه قضائیه مورد بررسی قرار گرفته است. که بر طبق آن قضات مستقل و تنها تابع قانون اساسی روسیه خوانده شده اند. طبق مواد این فصل قاضی قابل تغییر

(خاطره) است. جبهه ملی میهن پرستان نیز قبل از فرو پاشی اتحاد شوروی شک گرفته است.

جبهه دموکراتیک مردمی روسیه یکی دیگر از گروه‌های ملی گرای روسیه است که گرایشات ضد یهودی دارد. "حزب جمهوری خواه ملی" که قبل از فروپاشی اتحاد شوروی شکل گرفته و هدف خود را تقویت دولت قوی روسی با ایجاد موازنه میان دموکراسی و میهن پرستی قرار داده است.

از گروه‌های "اتحاد" و "روسیه" نیز از گروه‌بندی‌های فعال پارلمانی میهن پرست در روسیه بوده‌اند. گروه‌های متعدد ملی‌گرا در روسیه طیف وسیعی از هواداران ملیت روسی را تشکیل داده‌اند. مجمع اسلامی بخش آزادی روسیه - جنبش ما - گروه‌های افسران برای بازسازی روسیه - اتحادیه ملی روسیه به رهبری سرگئی با بورین از جایگاه ویژه‌ای در میان گروه‌های ملی‌گرا برخوردارند.

۳- مردم گرایان : حزب لیبرال دموکرات به رهبری والا دیمیر ژیرینفسکی یکی از آنان است.

۴- احزاب دموکراسی مسیحی : نخستین گروه از اینها "اتحادیه دموکرات مسیحی روسیه" در سال ۱۹۸۹ می‌باشد - جنبش دموکرات مسیحی روسیه " یکی دیگر از گروه‌های یاده که پدر باکونین از چهره‌های برجسته آن می‌باشد.

۵- میانه‌روهای آزادیخواه : "اتحادیه دموکراتیک" - حزب دموکراتیک روسیه " که از دوران اتحادیه شوروی شکل گرفته و نیکلای تراوکین از رهبران این حزب می‌باشد.

- " حزب کار آزاد " نیز توسط ولادیمیر تیخونوف پس از فروپاشی اتحاد شوروی تشکیل یافته است. حزب مردم روسیه " در سال ۱۹۹۱ فعالیت خود را آغاز کرده است.

و جابجایی نیست. و همه محاکمات قانونی، علنی می‌باشد یکی از بخش‌های مهم قضایی روسیه دادگاه قانون اساسی است.

که از ۱۹ قاضی تشکیل می‌گردد. دادگاه قانون اساسی به درخواست ریاست جمهوری یک پنجم نمایندگان شورای فدراسیون، دوما - دولت فدراسیون روسیه، دادگاه‌های عالی فدراسیون روسیه و دستگاه‌های اجرایی و قانونگذاری روسیه تشکیل جلسه داده به بررسی موارد مورد اختلاف می‌پردازد.

دادگاه عالی فدراسیون روسیه دادگاه عالی داور و دادگاه‌های فدرال بالاترین نهاد‌های قضایی در فدراسیون روسیه هستند.

در فصل هشتم نظام خودگرانی مجلس برای حل و فصل مسایل مردم در مناطق گوناگون کشور مطرح گردیده است خودگرانی مجلس به اشکال مختلف همه‌پرسی، انتخابات دیگر رویه‌های ابراز عقاید، از طریق نهاد‌های انتخابی و دستگاه‌های خودگرانی اعمال می‌شود. دستگاه‌های خودگردان مجلس بطور مستقل اموال مجلس را اداره می‌کنند بودجه‌های مجلس را تصویب و اجرا می‌کنند، مالیات و عوارض مجلس را وضع می‌نمایند.

احزاب سیاسی روسیه

۱- سلطنت طلبان : که اتحادیه سلطنت طلبان از ارتدوکس یکی از این گروه‌هاست که از سال ۱۹۹۰ در سالگرد تولد نیکلای دوم فعالیت خود را آغاز کرد.

۲- ملی گرایان: که می‌توان از حزب ژیرینفسکی که یکی از احزاب مردم گرا و ملی گرای کنونی روسیه است. یکی دیگر از گروه‌های ملی گرا گروه (پامیات)

بنام "جنبش طرح کمونیستی" از سال ۱۹۸۹ فعالیت خود را آغاز کرد.

ژنرال آلبرت ما کاشف رهبری آنرا بر عهده داشته است. در سال ۱۹۹۱ این گروه به "حزب کارگران کمونیست روسیه" تبدیل گردید.

۹- حزب کمونیست کنونی فدراسیون روسیه:

اعضای فدراسیون روسیه

۸۹ سرزمینی فدرال در فدراسیون روسیه وجود دارد. در قانون اساسی مصوب سال ۱۹۹۳ این کشور ۲۱ جمهوری خود مختار - ۶ ناحیه - ۴۹ منطقه و دو شهر دارای جایگاه فدرالی یک بخش خود مختار و ۱۸ منطقه خود مختار این واحدها را تشکیل داده‌اند. مسکو و سن پترزبورگ دو شهر دارای جایگاه فدرالی در روسیه باشد ۲۱ جمهوری خود مختار توسط رئیس جمهور یا نخست وزیر اداره می‌شوند. بقیه واحدها فدرال نیز دارای دستگاههای اداری مجلس می‌باشد که شورا یا دوما خوانده می‌شود.

جمهوریها خود مختار

- ۱- جمهوری آدیینه ۲- جمهوری آلتای
- ۳- جمهوری با شقیرستان ۴- جمهوری بوریاتا
- ۵- جمهوری چچن ۶- جمهوری چوواش
- ۷- جمهوری داغستان ۸- جمهوری اینگوش
- ۹- جمهوری کاباردینو-بالکار ۱۰- جمهوری کالمیک ۱۱- جمهوری قره چلی - چرکس
- ۱۲- جمهوری کارلیا ۱۳- جمهوری فاکاسیا
- ۱۴- جمهوری کومی ۱۵- جمهوری وی‌ال
- ۱۶- جمهوری موردویا ۱۷- جمهوری اوستی شمالی
- ۱۸- جمهوری (یاکوتیا) ۱۹- جمهور تاتارسیان
- ۲۰- جمهوری توفان ۲۱- جمهوری اودمورت (اودمورتیا).

۶- سوسیال دموکراتها: یکی از گروههای نشأت یافته از حزب کمونیست اتحاد شوروی که رویه‌های انقلابی را کنار نهاده است. "حزب سوسیال دموکرات روسیه" می‌باشد.

حزب کمونیستها: برای دموکراسی "به رهبری الکساندر روتسکوی از دوران پس از فروپاشی قابلیت اصلاح پذیری حزب کمونیست اتحاد شوروی را رد کرده بود. او ابتدا "حزب دموکراتیک برای کمونیست‌های" روسیه را تشکیل داد و خود را از ایدئولوژی حزب جدا ساخت. این گروه پس نام "حزب مردم برای روسیه آزاد" بر خود نهاد.

- جنبش اصلاحات دموکراتیک نیز در سال ۱۹۹۱ به عنوانجانشین حزب کمونیست شکل گرفته بود چهره‌های برجسته از حزب کمونیست از گورباچف تا شوارد نازده و شاتالین ۴ نام خود را "جنبش اصلاحات دموکراتیک بین‌المللی" تغییر نام داد.

هرج مرج گرایان

کنفدراسیون صف‌گرایان هرج و مرج طلب در تابستان ۱۸۹۸ قبل از فروپاشی اتحاد شوروی در شرایط اجرای کلاس نوست گورباچف تشکیل شد یکی هرج مرج طلب کنونی روسیه است.

۷- **چپ جدید در روسیه:** یکی از چهره‌های برجسته چپ جدید روسیه بوریس کاگاریستکی است که از بانیان "گروه ابتکار" در سال ۱۹۹۱ بوده است.

۸- **سوسیالیتهای انقلابی:** از معروفترین چهره‌ها این گروه می‌توان از نینا آندری یوا نام برد که گروه وحدت برای آرمانهای لنینستی و کمونیستی "را ایجاد کرده است. که بعداً نام خود را به "حزب سراسری کمونیست بلشویک" تغییر نام داد. گروه دیگری نیز

ناحیه فدراسیون روسیه

- ۱- ناحیه آلتای ۲- ناحیه خاباروفسک
- ۳- ناحیه کراسفودار ۴- ناحیه کراسنویارسک
- ۵- ناحیه پریموریه (مارسی تایم) ۶- ناحیه استاوروپول.

استانهای فدراسیون روسیه

- ۱- استان أمور ۲- استان آرخانگل ۳- استان آستراخان ۴- استان بلگورود ۵- استان بریانسک ۶- استان چلیابسک ۷- استان چیتا ۸- استان ایرکوتسک ۹- استان ایوانف ۱۰- استان کالینین گراه ۱۱- استان کاه چاتکا ۱۲- استان کالوگا ۱۳- کم رود ۱۴- استان کیروف ۱۵- استان کاستروما ۱۶- استان کورگان ۱۷- استان کورسک ۱۸- استان اینفگرا ۱۹- استان لپتسک ۲۰- استان ماگاران ۲۱- استان مسکو ۲۲- استان مورمانسک ۲۳- استان نیژنی لووگرو ۲۴- استان نووگرو ۲۵- استان نووسیبیرسک ۲۶- استان امسک ۲۷- استان اورال ۲۸- استان اوبنورگ ۲۹- استان بنزا ۳۰- استان پرم ۳۱- استان پسکوف ۳۲- استان روستوف ۳۳- استان ریازان ۳۴- استان ساخالین ۳۵- استان سلمارا ۳۶- استان سارتوف ۳۷- استان اسمر لنسک ۳۸- استان سورد لوفسک ۳۹- استان تامبوق ۴۰- استان تومسک ۴۱- استان تسولا ۴۲- استان تهور ۴۳- استان يتومن ۴۴- استان اولیانوفسک ۴۵- استان ولا دیمیر ۴۶- استان ولگوگرا ۴۷- استان ولوگدا ۴۸- استان ورونش ۴۹- استان یارو سلاول

شهرهای فدرال

- ۱- مسکو ۲- سن پترزبورگ

بخش خودمختار یهودیان

منطقه‌های خودمختار

- ۱- منطقه خودمختار آگو - بوریات ۲- منطقه خودمختار چرک چسی ۳- منطقه خودمختار ایونک ۴- منطقه خودمختار خانتی مانسی ۵- منطقه خودمختار کومی پرمیاک ۶- منطقه خودمختار کوی یکا ۷- منطقه خودمختار نئس ۸- منطقه خودمختار تایمیر ۹- منطقه خودمختار اوست - اوردا ۱۰- منطقه خودمختار یا مال - نه نئس.

هندوستان

قاره هند بصورت جزیره‌ای مثلثی در جنوب قاره آسیا قرار دارد و با کشورهای پاکستان - چین - بوتان - نیال و برمه دارای مرز مشترک می‌باشد.

هند کشوری با مساحت ۳۱۶۵۵۹۶ کیلومتر مربع با جمعیتی بیشتر از یک میلیارد و بیست و هفت میلیون نفر طبق سرشماری سال ۲۰۰۱ می‌باشد.

چنانچه که هند مشهور به کشور ۷۲ ملت مشهور است در این کشور بیشتر از ۱۰۰۰ زبان رایج می‌باشد که طبق قانون اساسی آن ۱۶ زبان آسامی - بنگالی - گجراتی - کانارایی - کشمیری - کوانی مالایالیم - مانی پوری - نیالی - اوری - پنجابی - سانسکریت - سندی - تامیلی - لیلگو و اردو را نیز همراه زبان هندی جز زبانهای رسمی هند اعلام نموده است.

هند اتحادیه‌ای از ایالات و مناطق متحد است که با نظام حکومتی پارلمانی اداره می‌شود. این جمهوری بر اعمال مقررات قانون اساسی که توسط مجلس مؤسسان در ۲۶ نوامبر ۱۹۴۹ تصویب و در ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۰ قدرت اجرایی یافت، عمل می‌کند.

در ایالت بیهار - جامو و کشمیر کارناتاكا - ماها را شترا - تامیل نادو - او تار پرادش دو مجلس قانونگذاری وجود دارد. که مجلس دوم شورای قانونگذاری نام دارد. هر ایالت دارای یک دادگاه عالی است.

قدرت اجرایی در ایالات شامل اموری از قبیل پلیس - بهداشت عمومی - آموزش و جنگلداری و دیگر مسائل منطقه ای است. امور مربوط به دفاع ملی - روابط خارجی حمل و نقل و ارتباطات انتشار - گردش پول و ضرب سکه و اجرا و اعمال قانون در مراحل بالا با حکومت مرکزی است.

احزاب

در حکومت دموکراسی هند احزاب نقش ویژه و مهمی را دارا هستند و در واقع احزاب زنجیر ارتباطی هستند بین توده مردم و دولت - احزاب سیاسی که به فعالیت انتخابی در پیش از یک ایالت می پردازند و بتوانند در انتخابات عمومی ۴ درصد آرا کامل کشور را کسب نمایند به عنوان حزب چند ایالتی در انتخابات عمومی بعدی شناخته می شوند.

احزاب عمومی هند

- ۱- حزب ملی کنگره
- ۲- حزب لوک دال
- ۳- حزب جانانا (حزب مردم)
- ۴- حزب جانانا دال
- ۵- حزب کمونیست هند
- ۶- حزب ملی کنگره هند
- ۷- حزب کمونیست
- ۸- حزب بهاریتا جانانا
- ۹- حزب راستر یا سنجای مانچ

قانون اساسی شکل حکومت پارلمانی را براساس ساختار فدرال در نظر گرفته است. رئیس جمهور از لحاظ قانون اساسی رئیس اجرایی اتحادیه ایالات و مناطق متحده است. همچنین براساس قوانین پیش بینی شده. شورای وزرات با نخست وزیر که در راس آن قرار دارد. برای کمک و مشاوره به رئیس جمهور در اجرای وظایف در نظر گرفته شده است. ولی قدرت اجرایی با شورای وزیران و نخست وزیر می باشد. طبق اصل ۶۹ قانون اساسی هند در تشکیلات حکومتی در مجلس فعالیت دارند که یکی مجلس (Loksabha) با ۵۴۵ کرسی که اعضای آن از طریق انتخابات برای مدت ۵ سال برگزیده می شوند و ۲ کرسی نیز به انگلیسی های هندی تبار تعلق دارد که توسط رئیس جمهور هند انتخاب می شوند مجلس راجیا-سابا (Rajasabha) که ۲۵۴ عضو دارد که ۲۴۲ نفر آنان را مجالس ایالتی انتخاب و به مرکز معرفی می کنند و ۱۲ نفر دیگر نیز توسط رئیس جمهور هند انتخاب می گردد. ریاست مجلس را جیا - سابا معاون رئیس جمهور نیز می باشد که با رای مجلس نمایندگان را جیا - سابا انتخاب می شود.

مجلس را جیا - سابا وظیفه اش کنترل و ایجاد توازن بین قوه قضائیه و قوه مقننه می باشد.

تقسیمات کشوری و اداری هند.

هند از نظر تقسیمات کشوری دارای ۲۵ ایالت و ۷ منطقه متحده است

ایالات از لحاظ سیستم حکومتی شباهتی نزدیک به حکومت مرکزی دارند، فرماندار که رئیس قوه مجریه نیز هست از طرف رئیس جمهور و به مدت ۵ سال انتخاب می شود. شورای وزرا که رئیس وزرا در راس آن است بطور جمعی در برابر مجلس قانونگذاری محلی مسئول هستند. هر ایالت بنوبه خود دارای یک مجلس که به آن مجلس قانونگذاری می گویند.

شوراهای اجرایی این ایالات یا با همکاری شوراهای برخی از اعضای این شوراهای یا شخص فرمانداران یا قائم مقام فرمانداران به فرماندار کل واگذار می‌شود و او طبق توصیه یا با همکاری شورای خبرگان سلطنتی ملکه در امور کانادا یا با همکاری برخی از اعضای شورای مزبور یا شخص فرماندار کل حسب مورد اعمال می‌کند اما با این حال پارلمان کانادا می‌تواند آنها را (به جز مواردی که به موجب قانون بریتانیای کبیر یا پارلمان دولت پادشاهی بریتانیای کتیف و ایرلند وضع کرده‌اند) نسخ یا اصلاح کند.

aboli shed or altered

اصل ۱۷- کانادا دارای پارلمان مرکب از ملکه مجلس اعلائی به نام سنا و مجلس عوام است
تصویب‌نامه ۳۹-۳۸ قانون ۱۸۷۵ به جای اصل ۱۸ امتیازات و معافیتها و اختیاراتی را که سنا و مجلس عوام و اعضای این دو مجلس از آنها برخوردار خواهند بود و اعمال خواهند کرد در موقع لزوم به موجب قانون پارلمان کانادا تعیین می‌گردد. با این حال موارد مزبور نباید هرگز از امتیازات معافیتها و اختیاراتی که مجلس عوام و پارلمان دولت پادشاهی بریتانیای کتیف و ایرلند و اعضای این مجلس در زمان تصویب این قانون از آنها برخوردار بوده و اعمال می‌نمودند بیشتر باشد.
اصل ۲۲- تصویب‌نامه ۱۳-۱۲ قانون اساسی ۱۹۷۵ در مورد ترکیب سنا کانادا به سه بخش به شرح ذیل تقسیم می‌گردد

۱- اونتاریو ۲- کبک ۳- ایالات دریایی نووا اسکاتیا و نیوبرونزویک این سه بخش دارای نمایندگانی به ترتیب ذیل در سنا هستند

اونتاریو ۲۴ نماینده کبک ۲۴ - ایالات دریایی ۲۴ سناتور که از این بین دوازده سناتور از نووا اسکاتیا و ۱۲ سناتور دیگر از نیوبرونزویک به سناراه

به اضافه احزاب شناخته شده کل کشور می‌توان به سایر احزاب شناخته شده ایالت اشاره کرد.

۱- احزاب ایالت تامیل نادو (در اوبید مانترکاژاکام در سال تاسیس ۱۹۴۹).

۲- ایالت (شومونی آکالی دال احزاب والا مقام سیکها).

۳- آسام گانا پاریشاد (شورای مردم آسام) در ۱۴ اکتبر سال ۱۹۸۵ توسط پرافول کومار ماهانتا تأسیس شده است.

۴- کنفرانس ملی مجامع و کشمیر در سال ۱۹۳۱ توسط شیخ عبدالله قبل از استقلال هند پایه‌گذاری شده است.

۵- تلگو ویسام پارتی (حزب سرزمین تلگو).
در سال ۱۹۸۳ در ایالت آندرا پراداش توسط آن تی را مارانو سینماگر تأسیس شده است.

کانادا

قانون اساسی ۱۸۶۷

اصل ۱۱- در راستای یاری و اداره دولت کانادا شورایی به نام شورای خبرگان سلطنتی ملکه در امور وجود دارد. فرماندار کل اشخاصی را که قرار است اعضای شورا شوند انتخاب و احضار می‌کند و آنان را به عنوان مشاوران خبرگان سلطنتی سوگند یاد می‌کنند فرماندار کل می‌تواند در موقع لزوم اعضای شورا را از این سمت بر کنار کند.

اصل ۱۲- کلیه قوا اختیارات و وظایفی که به موجب قانون پارلمان بریتانیای کبیر یا پارلمان دولت پادشاهی بریتانیای کبیر یا قوه مقننه کانادا یا قوه مقننه سایر ایالات در زمان تاسیس اتحادیه به فرمانداران یا قائم مقام آنها در ایالات بطور مستقل واگذار شده است یا آنها ممکن است این موارد را طبق توصیه و موافقت

اتحادیه در مورد دولت اونتاریو و کبک می‌تواند به ترتیب اعمال شود به قائم مقام فرماندار کل اونتاریو و کبک به ترتیب واگذار می‌شود و با صلاحدید و تصویب یا با همکاری شوراهای اجرایی مربوطه یا با همکاری برخی از اعضای شوراها یا توسط شخص قائم مقام فرماندار کل حسب مورد اجرا می‌شود اما با وجود این موارد فوق (جز مواردی که به موجب قانون بریتانیای کثیف و ایرلند وجود دارند) از سوی قوای مقننه مربوطه اونتاریو و کبک ممکن است رد یا اصلاح شود.

اصل ۶۹- قوه مقننه اونتاریو متشکل از قائم مقام فرماندار کل و مجلسی به نام مجلس قانونگذاری اونتاریو می‌باشد.

اصل ۷۱- قوه مقننه کبک متشکل از قائم مقام فرماندار کل و دو مجلس به نامهای مجلس قانونگذاری کبک و شورای قانونگذاری کبک می‌باشد اصلاحیه سال ۱۹۶۸ قوه مقننه کبک متشکل از قائم مقام فرماندار کل و مجلس ملی است.

اصل ۷۲- شورای قانونگذاری کبک متشکل از ۲۴ عضو می‌باشد که از سوی قائم مقام فرماندار کل از طرف ملکه و با سند مهمور به مهر بزرگ کبک بطور مادام‌العمر منصوب می‌شوند.

اصل ۹۰- حیظه مقررات این قانون مربوطه به پارلمان کانادا که عبارتند از مقررات مربوط به لوایح مالکیت و مالیات حمایت از تعلیمات پولی تصویب لوایح رد قوانین و اعلام نظر مثبت نسبت به لوایح مسکوت مانده تعمیم یافته و در مورد قوای مقننه ایالات مختلف اجرا می‌شود به گونه‌ای که گویی این مقررات در همین جا مجدداً وضع شده و در مورد ایالات مربوطه و قوای مقننه آنها قابلیت اجرایی یافته است مع ذلک ضمن اینکه جایگزینی قائم مقام فرماندار کل به جای فرماندار کل، فرماندار کل به

می‌یابند. در مورد کبک هریک از ۲۴ سناتور نماینده این ایالت نماینده یکی از ۲۴ حوزه انتخاباتی کانادای سفلی که در فهرست الف فصل اول مجموعه قوانین کانادا ذکر شده هستند

اصل ۳۷- ناشی از اصل ۵۱ قانون اساسی ۱۹۸۵ مجلس عوام مرکب از ۱۸۱ عضوات ۸۲ نماینده اونتاریو ۶۵ نفر نماینده کبک ۱۹ نفر نماینده نوا اسکاتیا ۱۵ نفر نماینده نیوبرونزویک هستند.

اصل ۵۱- الف- یک ایالت همیشه باید دارای تعدادی عضو در مجلس عوام باشد و این تعداد نباید از تعداد سناتورهای این ایالت کمتر باشد.

اصلا ۵۴- مجلس عوام مجاز نیست هیچ قطعنامه بیانیه یا لایحه‌ای را در جهت تملک بخشی از درآمد دولتی یا وضع مالیات را در موضوعی تصویب کند که فرماندار کل پیشتر بصورت پیشنهاد طی اجلاسهای که در آن این قطعنامه بیانیه یا لایحه طرح شده است به مجلس پیشنهاد نکرده باشد.

اصل ۵۸- در رأس هر ایالتی مسئولی به نام قائم مقام فرماندار کل وجود دارد که فرماندار کل وی را با مشورت و با سند مهمور به مهر بزرگ دولت کانادا به این سمت منصوب می‌کند.

اصل ۶۵- کلیه قوا اختیارات و وظایفی که به موجب قانون مصوب پارلمان بریتانیای کثیف یا پارلمان دولت پادشاهی بریتانیای کثیف و ایرلند، قوه مقننه کانادای علیا یا کانادای سفلی یا کانادا قبل یا هنگام تاسیس اتحادیه به فرماندار کل یا قائم مقامهای فرماندار کل این ایالات واگذار گردیده است یا می‌تواند توسط ایشان با اصلاحیه یا با صلاحدید و تصویب شوراهای اجرایی این ایالات یا با همکاری این شوراها یا با همکاری برخی از اعضای شوراها یا توسط شخص فرماندار کل یا قائم مقامهای فرماندار کل در ایالات اجرا شود. همانطور که موارد فوق پس از تاسیس

- ۱۴- کانالهای آبی بین یک ایالت و هر کشور تحت سیطره بریتانیا یا بیگانه یا بین دو ایالت
- ۱۵- گردش پول و سکوکات
- ۱۶- بانکداری ادغام بانکها و نشر اسکناس
- ۱۷- صندوق پس انداز
- ۱۸- اوزان
- ۱۹- بروات و سفته‌ها
- ۲۰- بهره پول
- ۲۱- پول رایج کشور
- ۲۲- ورشکستگی
- ۲۳- حق انحصاری اختراع و اکتشاف
- ۲۴- حق انحصاری اثر (کپی رایت)
- ۲۵- سرخپوستان و اراضی مختص آنان
- ۲۶- اعضای تابعیت و اتباع بیگانه
- ۲۷- ازدواج و طلاق
- ۲۸- قوانین کیفری بجز تشکیل محاکم مصالح به رسیدگی به امور کیفری اما مشتمل بر آیین دادرسی کیفری.
- ۲۹- احداث و نگهداری و اداره زندانها
- ۳۰- ردیفهای موضوعی که به وضوح از سیاهه ردیفهای موضوعی احصایی این قانون مستثنی شده‌اند مختصراً" به قوای مقننه ایالات محول می‌شود.
- ۹۲- در هر ایالتی قوه مقننه می‌تواند در موارد ذیل رأساً اقدام به قانونگذاری نماید :
 - ۱- اخذ مالیات مستقیم در محدوده ایالت با هدف ایجاد درآمد در جهت اهداف ایالتی
 - ۲- استقراض از اموال دولتی به نسبت اعتبار خاص ایالت
 - ۳- ایجاد و تصدی مشاغل و انتصاب ماموران ایالتی و پرداخت حقوق به آنها.
 - ۴- اداره و فروش اراضی دولتی متعلق به ایالت و جنگل و مراتع موجود در این مناطق

جای ملکه و به جای یک وزیر یک سال به جای دو سال ایالت به جای کانادا صورت گرفته است. اصل ۹۱- ملکه مجاز است که به صلاحدید و تصویب سنا و مجلس عوام اقدام به وضع قوانین برای صلح نظم و فن اداره کشور کانادا و تمامی زمینه‌هایی بنماید که در ردیفهای موضوعاتی نمی‌گنجد که این اصل وضع آنها را منحصرأ" به قوای مقننه ایالات واگذار نموده است اما با این حال برای تضمین بیشتر بدون ایجاد محدودیت برای کلیت مشروط پیش گفته در این اصل این قانون اعلام می‌دارد که (با وجود مفاد مغایر این قانون) حیطة اختیارات مطلق قانونگذاری پارلمان کانادا به تمامی زمینه‌های موجود در ردیفهای موضوعات احصایی ذیل گسترش می‌یابد.

- ۱- الف - بدهی و اموال دولتی
- ۲- تدوین مقررات تجارت و بازرگانی
- ۳- الف - بیمه بیکاری
- ۴- جمع‌آوری نقدینگی از طریق مختلف یا از طریق سیستم مالیاتی
- ۵- استقراض نقدینگی بر مبنای اعتبارات دولتی
- ۶- خدمات پستی
- ۷- سرشماری و آمارگیری
- ۸- نیروی شبه نظامی خدمت سربازی و خدمت در نیروی دریایی و دفاع از کشور
- ۹- تعیین و پرداخت حقوق و مزایای ماموران کشوری و سایر ماموران دولت کانادا
- ۱۰- فانوس‌های دریایی شناورهای دریایی فارها و جزیره ظلمانی
- ۱۱- دریانوردی و کشتیرانی
- ۱۲- قرنطینه و احداث و نگهداری بیمارستانهای دریایی
- ۱۳- صیادی در سواحل دریاها و آبهای داخلی

موضوعات برخی از ردیفهای موضوعی فهرست شده در این اصل ابلاغ گردیده است.

۱۵- بطور کلی تمامی موارد دارای ماهیت منطقه‌ای یا خصوصی در ایالت

اصل ۹۳- در هر ایالت قوه مقننه می‌تواند بر اساس و مطابق با مقررات ذیل اقدام به وضع قوانینی در مورد آموزش و پرورش خود نماید.

۱- هیچ یک از این قوانین نباید به حق یا امتیازی که بطور قانونی در زمان اتحادیه در مورد مدارس فرقه‌ای به طبقه اجتماعی خاص در ایالت واگذار گردیده است خدشه وارد کند.

۲- کلیه اختیارات امتیازات و وظایفی که در کانادای علیا در زمان اتحادیه قانون به گروههای خاص و به اتحادیه مدارس کاتولیکهای رومی تبعه علیا حضرت واگذار یا تحمیل گردیده است به موجب این قانون گروههای اقلیت پروتستان و کاتولیک رومی تبعه ملکه را در ایالت کبک نیز شامل می‌شود.

۳- در هر ایالتی که نظام مدارس خصوصی یا مدارس اقلیت بطور قانونی در زمان اتحادیه وجود داشت و یا بعداً قوه مقننه ایالتی آنرا پایه گذاری کرده باشد می‌توان از فرماندار کل درخواست نمود تا به هر قانون یا تصمیم ناقض حقوق یا امتیاز اقلیت پروتستان و کاتولیک رومی تبعه علیا حضرت در امر آموزش و پرورش از سوی برخی از مسئولین ایالتی مجدداً به طور شورایی رسیدگی نماید.

۴- در صورت عدم وضع قانون ایالتی که فرماندار کل در موقع لزوم در راستای پیگیری و اجرای مفاد این اصل بطور شورایی بر الزام آن صحه گذاشته باشد یا در صورتیکه برخی از تصمیمات شورایی فرماندار کل در خصوص درخواست رسیدگی مجدد به موجب این اصل از سوی مسئولین ذیصلاح ایالتی به اجرا در نیامده باشد بنابراین و در چنین صورتی و فقط

۵- احداث نگهداری و اداره زندانهای عمومی و دارالتادیبها در ایالات

۶- احداث نگهداری از بیمارستانها، تیمارستانها، نوارخانه‌ها و مؤسسات و سازمانهای خیریه در ایالت به غیر از بیمارستانهای دریایی

۷- مؤسسات مربوطه به شهرداریها در ایالت

۸- پروانه‌های مغازه‌ها، کاباره‌ها مهمانخانه‌های بین راهی حراجیها و پروانه‌های دیگر در راستای تحصیل درآمد در جهت اهداف ایالتی محلی یا مربوطه به شهرداریها

۹- کارها و مؤسسات محلی بجز مواردی که در ردیفهای ذیل موجودات که عبارتند از: الف- خطوط کشتیرانی تجاری یا سایر کشتی‌ها، راه‌آهن، شبکه‌های آبرسانی، تلگراف و کارها و موسساتی که یک ایالت را به ایالت دیگر مرتبط می‌سازد یا دامنه آنها به آن سوی مرزها گسترش می‌یابد

ب- خطوط کشتیرانی تجاری بین ایالت و هر کشور وابسته به امپراتوری بریتانیا یا هر کشور بیگانه

ج- کارهایی که علی‌رغم واقع شدن آنها در ایالت بیش یا پس از اجرا از سوی پارلمان بعنوان امتیازی کلی برای کانادا یا امتیازی بر این دو یا تعداد زیادی از ایالات اعلام می‌شود.

۱۰- ادغام شرکتها در جهت اهداف ایالتی

۱۱- انجام مراسم رسمی ازدواج در ایالت.

۱۲- حق مالکیت و حقوق مدنی در ایالت.

۱۳- اداره دادگستری ایالت مشتمل بر تشکیل نگهداری و سازماندهی دادگاههای مدنی و جنایی برای ایالت و همچنین اقداماتی در زمینه‌های مدنی در دادگاهها.

۱۴- تحمیل مناجازات از طریق جزای نقدی، کیفر یا حبس در راستای اجرای هر نوع قانون ایالتی که در

تحت این عنوان که شرایط هر مورد وجود چنین قانونی را ایجاد خواهد کرد پارلمان کانادا می‌تواند در راستای پیگیری و اجرای مفاد این اصل اقدام به وضع قوانین نماید.

اصل ۹۵- قوه مقننه هر ایالتی می‌تواند قوانین مربوط به کشاورزی و مهاجرت به ایالت را وضع نماید این قانون اعلام می‌دارد که پارلمان کانادا می‌تواند در زمان مقتضی قوانین راجع به کشاورزی و مهاجرت را در تمامی ایالات بویژه در برخی از آنها وضع نماید و کلیه قوانین قوه مقننه ایالت راجع به کشاورزی یا مهاجرت مادامی که با سایر قوانین پارلمان کانادا در تعارض نباشد معتبر است.

اصل ۹۶- فرماندار کل به جز قضات دادگاههای امور جسمی ارنووا اسکاتیا و نیوبرونزویک قضات دادگاههای پژوهش بخش و شهرستان را در هر ایالت منصوب می‌کند

اصل ۱۳۴- مادامی که دستور دیگری از سوی قوه مقننه ایالات اونتاریو یا کبک صادر نشده است معاون فرماندار کل هر یک از ایالات مزبور قادر است با احکام مهور به مهر بزرگ ایالتی مسئولین ذیل را منصوب نماید و ایشان مادامی که وظایف خود را به خوبی به انجام رسانند در سمت خود ابقا می‌شوند این مسئولین عبارتند از: دادستان کل - وزیر و رئیس ثبت ایالت - خزانه‌دار ایالت - ناظر اراضی حکومتی (سلطنتی) - ناظر کشاورزی و ابنیه دولتی و در مورد کبک دادیار (معاون دادستان کل) ایشان همچنین با تصویبنامه معاون فرماندار کل مشاغل می‌توانند احکام مسئولین و فرمانداریهای مختلف تحت کنترل خود یا فرمانداریهایی که تحت کنترل آنها قرار گرفته است و احکام ماموران و کارمندان وابسته به آنها همچنین می‌توانند کارمندان دیگری را منصوب نمایند که در صورت ارائه خدمات مثبت در سمت

خود ابقاء می‌شوند و احکام آنها و احکام مختلف فرمانداریهایی که تحت کنترل آنها قرار گرفته است و احکام مامورین و کارمندان وابسته به آنها را ابلاغ نمایند.

اصل ۱۳۵- مادامی که دستور دیگری از سوی قوه مقننه اونتاریو و کبک صادر نشده است کلیه حقوق اختیارات و وظایف مسئولیتها تعهدات یا صلاحیت‌های واگذار یا ابلاغ شده به دادستان کل معاون دادستان کل (دادیار)، وزیر و رئیس ثبت ایالت کانادا، وزیر دارایی، ناظر اراضی حکومتی، ناظر ابنیه دولتی، وزیر کشاورزی و تحصیلدار کل هنگام تصویب این قانون توسط هر قانون مقررات یا دستورالعمل کانادای علیا (-اونتاریو) کانادای سفلی (- کبک) یا کانادا در صورت عدم مغایرت با این قانون به هر مسئولی که از سوی معاون فرماندار کل برای اجرای این مسئولیتها یا برخی از آنها منصوب گردد محول یا ابلاغ می‌شود ناظر کشاورزی و ابنیه دولتی وظایف و مسئولیتهای وزیر کشاورزی را که قانون ایالت کانادا هنگام تصویب این قانون مقرر کرده است و همچنین وظایف و مسئولیتهای ناظر ابنیه را عهده‌دار می‌شود.

قانون اساسی ۱۹۸۲

اصل ۱۶-۱- زبانهای فرانسه و انگلیسی زبانهای رسمی کانادا بوده و دارای موقعیت حقوق و امتیازات برابری در امر کاربرد در نشستهای پارلمان و دولت کانادا هستند.

۲- زبانهای فرانسه و انگلیسی زبانهای رسمی نیوبرونزویک بوده و دارای موقعیت حقوق و امتیازات برابری در امر کاربرد در نشستهای پارلمان و دولت کانادا هستند.

مهر بزرگ کانادا مهور شده باشد می‌تواند اصلاح نماید. این اصل فقط در موارد ذیل:

الف- در تغییرات خطوط مرزی بین ایالتی.
ب- در اصلاحات قانون مربوط به کاربرد زبانهای فرانسه یا انگلیسی در یک ایالت.

اصل ۴۴- طبق اصول ۴۱ و ۴۲ پارلمان در مورد اصلاح اصول قانون اساسی مربوط به قوه مجریه فدرال مجالس سنا یا عوام دارای اختیارات مطلق است.

اصل ۴۵- طبق اصل ۴۱ قوه مقننه در مورد اصلاح قانون اساسی ایالت خویش دارای اختیارات مطلق است.

اصل ۴۶- اقدام به اصلاحات مطروحه در اصول ۳۸ و ۴۱ و ۴۲ بر عهده سنا مجلس عوام یا مجلس قانونگذاری ایالت است.

والسلام

منابع:

۱- نقدی بر فدرالیسم: محمدرضا خوبروی پاک - تهران ۱۳۷۷ چاپ اول موسسه نشر و پژوهش شیرازه.

۲- فدراسیون روسیه: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران ۱۳۷۸- الهه کولایی.

۳- ایالات متحده آمریکا: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی - حسین حمیدی‌نیا- تهران وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات ۱۳۸۱.

۴- هند: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران ۱۳۷۹- گیله گل بهروزان- وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.

۵- قانون اساسی آمریکا

۳- منشور حاضر قدرت پارلمان و قوای مقننه را در امر توسعه موقعیت برابر یا کاربرد زبانهای فوق محدود نمی‌کند.

اصل ۴۱- کلیه اصلاحات قانون اساسی کانادا در موارد ذیل از طریق بیانیه فرماندار کل مهور به مهر بزرگ کانادا و با مجوز قطعنامه‌های سنا، مجلس عوام و مجلس قانونگذاری هر ایالت انجام می‌گیرد این موارد عبارتند از:

الف- مسئولیت ملکه فرماندار کل و قائم مقام فرماندار کل.

ب- حق هر ایالت مبتنی بر دارا بودن تعدادی نماینده در مجلس عوام حداقل به تعداد سناتورهایی که بوسیله آنها به هنگام اجرای این بخش صلاحیت نمایندگی ایالت محرز می‌شود.

ج- بکارگیری زبانهای فرانسه یا انگلیسی طبق اصل ۴۳.

د- ترکیب دیوان عالی کانادا ه- اصلاح این بخش اصل ۴۲- کلیه اصلاحات قانون اساسی کانادا مربوط به مسائل ذیل طبق بند ۱ اصل ۳۸ انجام می‌پذیرد:

الف- اصل نمایندگی تناسب ایالات در مجلس عوام در قانون اساسی کانادا پیش‌بینی شده است.

ب- اختیارات سنا و شیوه انتخاب سناتورها.

ج- تعداد سناتورهایی که بوسیله آنها صلاحیت در سنا محرز می‌شود و شرایط اقامت که سناتورها باید واجد آن باشند.

د- ایجاد ایالات جدید علی‌رغم هر قانون یا عرف دیگر.

۲- بندهای ۲ تا ۴ اصل ۳۸ در مورد اصلاحات مربوط به موضوعات مذکور در بند ۱ مجری نیست.

اصل ۴۳- اصول قانون کانادا را که در مورد اغلب ایالات قابل اجراست فقط بیانیه فرماندار کل کانادا که قطعنامه‌های سنا مجلس عوام و مجلس قانونگذاری ایالات مورد نظر آن را مجاز شناخته و همچنین به



آرتیق سحر اولموشدو

گوزله ریمده بیر دامجی یاش پاریلدیردی

آغلامیشدیم بلکه ده

پنجره لهر سسیز لیکده ن بوغولوردو

دان اولدوزویدو و سن

سنی گوزله یین گوزله ریمی دانیردین

اللریمی اوزدوم

هاوا آلیشدی بنزین قوقوسونا

قوشلار سسیزجه اوچوپ گتدیله

سانکی بیر داها توشومداکی آدایا دونه یه جکلر

بیر آزدان ساعات زنگ دوراجاقدیر

9

من بیر باخیشی گیلاس آغاجینین کولگه سینده نیسگیل انلهدیم

من ده داندیم اوره ییمی

و سنده ن قالان بوتون خاملیرلره بیر جیلتیک ووردوم

9

دوندوم.

ÇAĞDAŞ

ÇAĞDAŞ, DÜNYAYA BAXAN AÇIQ BİR GÖZ

